

UNIVERSAL
LIBRARY

OU-232925

UNIVERSAL
LIBRARY

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا فَوْقَ إِلَّا بِاللَّهِ

بیتنف الحیثین باب عبد الغزیز المومنی حرره الله تعالی قرین صطبر

عجالة نافع

زبان فارسی در

اصول حدیث

بفرمایش تاجران نامی فقیر الله و عبد الغزیز و ابن احمد جامی

مطبع و فتنه لا کرب و
رجح محلا لا یوم طبع

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وكفى وسلاماً على عباده الذين اصطفى خصوصاً على سيدنا
 و مولانا محمد بن المجتبی و آله بدراً و النجی و صلواته نجوم الهدى اما بعد
 این سال است رابعه و عجل است نافع در فواید متعلقه بسلامت که باعث برطرف
 شوق و خوش باد و عالی آثار جامع المتعاقب المتعاقب نور حدیقه شرافت نور حدیقه سیادت
 قمر الدین الحسینی است رزقه السیاده الدارین سیاده الشائین درین ایام داعیه اشتغال
 این علم شریف در فن صنیف در خاطر عاظم ایشان تمکن در سوخ پیدا کرده و ازین بهر چنان
 محفل افاده و استفاده بجا برسن ظنی که دارند و رخواست اجازت این کار و اعانت و تحریک
 این بار فرموده اند حکم ان لله فی ایام دهر کم نفعات الا فخره و الما فخرها النفاة
 الله بخیر از تعلقات این صناعت علیاً بقید قلم او رزده و بقیه با برینه طبیعت زکیه و دیکه منیه
 برادر موصوف هر چه که بفضل تعالی در و کای فطرت و صفای طبیعت و تفان و من در درجه

۱۰. تو حق را به طبیعت
 نشان دین کزین "۱۱"
 ۱۲. مکتب زلورای اوست
 ۱۳. به جمع منورین
 ۱۴. به شرف و رفیع
 ۱۵. به شرف و رفیع

کتابخانه و خطاطخانه
مجلس شورای اسلامی
تهران
تاریخ ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۵
شماره ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۵
تاریخ ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۵
شماره ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

از موطا نوشته اند مع هذا این هر دو کتاب نیز مخدوم طوایف امام جمیع علمای اسلام
از فرقه متخرجات برآنها نوشته اند مثل اسماعیلی و ابو عوانه و طایفه متصدی شرح
غریب ضبط مشکل و بیان فقه و احوال روایه آنها شده اند و در نهایت و تلقی بالقبول
بر رجه علیا رسیده اند صاحب جامع الاصول از فزیری نقل کرده است که صحیح بخاری را
از بخاری بلا واسطه نو در هر کس سماع دارند خلص کلام آنکه احادیث این هر سه کتاب
اصح الاحادیث اند اگر چه بعضی احادیث این هر سه کتاب صحیح تر از بعضی هستند و اگر
بنظر تفحص دیده شود احادیث مرفوعه موطا غالباً در صحیح بخاری موجود اند پس صحیح بخاری
مشتمل است بر موطا با اعتبار احادیث مرفوعه آری آثار صحابه و تابعین در موطا زیاده است
پس این هر سه کتاب را در طبقه اولی باید داشت و طبقه ثانیه احادیثی که درین هر
صفت بدرجه احادیث صحیحین رسیده اند لیکن قریب بصحیحین اند و درین صفات و
آن حدیث جامع ترمذی و سنن ابوداود و سنن شافعی است که مصنفان این کتب
مشهور و معروف اند بوثوق و عدالت و حفظ و ضبط و تبحر در فنون حدیث و درین
کتابها مسائل و اشباح را ضعیفی شده اند و حال حدیث و علت آنرا بقدر امکان بیان
نموده اند و لهذا فیما بین علمای اسلام شهرت یافته اند پس این شش کتاب را صحاح
ششگانه اند و این الاثیر در جامع الاصول احادیث این شش کتاب را بجمعه نموده شرح
غریب ضبط مشکلات و اسامی رجال دیگر تعلقات آنها را بیان کرده پس کتاب جامع
الاصول گویند این شش کتابست چنانچه مشایخ الانوار شرح آن سه کتابست و
صاحب جامع الاصول این مایه را در صحاح عدد کرده بلکه موطا را ششمین قرار داده
و الحق معه لیکن حضرت والد ما جد قدس سره میفرمایند که مسند امام احمد نزد فقیر

[illegible]

١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

از آنها لا طائل میسپارند و مع هذا اگر کسی را رغبت تحقیق این کتب باشد میزان
 الضعفاء و ذمیه و لسان المیزان این حجر عسقلانی برای احوال رجال این کتب کجایش
 می آمد و برائے شرح غریب و توجیهات عبارات آن کتاب مجمع البحار شیخ محمد طاهر
 بومره گجراتی معنی است از جمیع مواد چون ترتیب کتب حدیث معلوم شد
 و طبقه اسناد درین باب موطن و صحیحین و سایر یافت لابد بیشتر اتمام تحقیق
 این برت کتاب باید فرمود بعد از آن بقیه صحاح سته باید پرداخت و ظن
 غالب است که بعد از تحقیق موطن و صحیحین در تحقیق بقیه صحاح سته دو ملت
 کار مفروض غنه میشود و قدر قلیل بایستی می ماند لهذا بر فواید متعلقه باین
 برت کتاب کلام را منحصرا ساخته شد **فان** در ضبط بعضی اسامی قاعد
 است که هر جا در کتب حدیث شریف لفظ سلام بیاید آنرا بشدید لام باید خواند
 مگر نیم جا اول نام پدر عبد الله بن سلام که صحابی است و از اجداد یهود و بشارت
 ایمان مشرف و بدخل جنت میشود دوم پدر محمد بن سلام بکنیزی که
 شیخ بخاری است و بکنیز بکسر بای موحده و سکون بای تحتیه مثل تاشکنذ نام دهری
 است از تابع بخاری سوم سلام بن محمد بن ابراهیم المقدسی و این شخص را در صحاح
 سته ذکر نیست از وی حافظ ابوطالب و طبرانی روایت دارند و نام او سلام
 یا کرده است چهارم جد محمد بن عبد الوهاب بن سلام مغربی مغربی و این هم در تمام
 صحاح سته نیست پنجم سلام بن ابی الحقیق که یهودی بود در فایت عداوت
 و عناد و ذکر شرارت و او در حدیث بسیار است نام این بخکس را تخفیف بایست
 و سواد این بخکس بشدید قاعد **که** عماره هر جا که بشدید بنم عین مملکت

۹
 تذکره عبد الله بن
 محمد بن عبد الله بن
 محمد بن عبد الله بن
 محمد بن عبد الله بن

کتاب سلم واقم شده بفتح عین باید خواند و خالد بن عباده عباد هر جا بفتح
 عین نشدید موحده است مگر فیس بن عباد که بضم عین و تخفیف موحده است
 عقیل بفتح عین و کسر قاف است الا سه که بضم عین بضم عین از عقیل بن خالد
 شاگردان شهاب زهری یحیی بن عقیل بن عقیل قبلیه شهر و معروف و اقد هر جا
 است لفظ انصر اگر معروف بلام واقع شود بضم و بضم باید خواند مثل ابی النصر و انصر
 بن الحارث و اگر بی لام تعریف باشد بضم بضم و بضم باید خواند و این فرق اصطلاحی
 است که برای امتیاز در کتابت اختیار کرده اند مثل عمر و عمر و عبید و عبید
 هر جا مضمر است ایلی منسوب بایله که شهر است در حد و د شام بفتح همزه و سکون
 ای تختانی و تخفیف لام و با این صورت مشتبه میشود ایلی منسوب بایله بضم
 همزه و بای موحده مضمومه و تشدید لام لیکن در صحیحین هیچکس ایلی واقع نشده
 و اگر واقع شده نسبت او مذکور نشده مثل شیبان بن فروخ که مسلم از روایت
 کرده است لیکن او را ایلی گفته بزاز هر جا بدوزای منقطه یعنی با رچه فروش من
 انزوی الثیاب کرد و کس بزاز یعنی اول دزای منقطه و آخرای بی نقطه و بزاز در
 عربی بزاز فروش یعنی تخم فروش یا گویند و حساب این صنعت را دهنده یسار
 نامند خلف بن هشام البزاز الحسن بن ابی سراج البزاز الیه حمزه بن ابی
 هر جا بی موحده است نسبت بشهر بصره الا سه کس بنون اند نسبت
 بنی نصر قبلیه است معروف مالک بن اوس النصری عبد الواحد بن عبد الله
 النصری سالم بن فلان بن النصر بن الثوری هر جا ثار مثله است
 مگر ابوی محمد بن یصلت التوزی که بجای ثناء فرقانیه و تشدید و ثناء

وین هر دو
 سخن هر دو
 از توضیح الوری

بن هشتم بن البرید که بفتح ای موحده و کسر ای و یای تحتیه است **قاعده**
هر جا لفظ بزار واقع شود مخفف باید خواند و فتح بای موحده باید داشت مگر در
کس ابو العالیه البزار و ابو معشر البزار که بفتح با و تشدید ر است **قاعده**
صورت حاشه بجای مهمله و رای مکسوره و نای مثلثه مفتوحه باید خواند مگر
در چهار جا که بحکم و راوای تحتانیه باید داشت جاریه بن قدامه یزید بن جاریه
عمر بن عقیان بن اسید بن جاریه الاسود بن العلاء بن جاریه **قاعده**
صورت جریر هر جا بحکم و کمریر که مهمله باید داشت الا در کس که اول نام آنها **ح**
مهمله است و آخر زای منقوطه حرز بن عثمان الرجبی که منسوب بر حبه کوفه است
و ابو حرز بن عبد الله بن حین که راوی عکرمه است **قاعده** خراش هر جا
بکسر خای معجمه است مگر نام پدر ربیع بن خراش که بجای مهمله است
قاعده حصین هر جا بصیغه تصغیرت و بصاء مهمله مگر ابو حصین عثمان
بن عاصم که بر وزن طویل است مگر حصین بن المنذر ابواساس که بصیغه
تصغیرت و ضاء و محمه حاذم هر جا درین کتب ثلثه بجای مهمله و زای منقوطه
است الا نام پدر ابومعادیه محمد بن خازم که مشهور بضریر کوفی است شاگرد
عمش که بجای معجمه است **ح** حبان بن شقذ و جد محمد بن یحیی بن حبان و خود
حبان بن واضح بن حبان و حبان بن هلال که اینجا بفتح حا و تشدید
بای موحده باید خواند و حبان بن عطیه و حبان بن موسی و حبان بن العوف
که اینجا بکسر حا و تشدید موحده باید خواند حلیب هر بای بفتح حائے
مهمله و کسر بای موحده باید داشت بر وزن طویل از حب و محبت مگر تها

مختصر و جواب اولاد معلوم
مقتضی تمهید باشد خوانند
اینجا همه حیات یکجا
صحابی انانوس
جان بن شنفرد
رجال اسم
موصوفه اسم
المؤمنین بجهنم
بفتح الزاد و الهمزة
مختصه بالکفر

که بضم خای معجمه بصیغه تصغیر باید و است از حباب است یعنی زیر کی حبیب بن
 عدی حبیب بن عبد الرحمن ابو حبیب کنیت عبد الله بن الزبیر حکیم
 بر جا بوزن طویل از حکمت باید خواند گرد بر رزق بن حکیم و حکیم بن عبد الله
 که تصغیر حکمت و کلام هر جا بای موحده است و رای مفتوحه گردید ابو قیس زیاد
 بن رباح که بای تخته و کسر است زبید در صحیحین بضم زای منقطه و بای
 موحده مفتوحه باید خواند تصغیر زبید یعنی مسکه و در موطا زبید تصغیر زید کنام
 مشهور است باید خواند سلیم هر جا در مصره کتاب بصیغه تصغیر است گر سلیم
 بن حیان که بوزن طویل است و سلم هر جا بفتح سین و سکون لام است
 شنیع هر جا بضم شین معجمه و در آخر حاکم مبله است مگر کس که
 بسین مبله مضمومه و جمیم است سیرج بن یونس سیرج بن النعمان احمد بن
 ابی سیرج سلیمان هر جا پیغام معروف است مگر شش کس سلمان فارسی
 و سلمان بن عامر ضیق و سلمان الاغر عبد الرحمن بن سلمان ابو حازم که
 راوی ابوهریره است نام او سلمان است ابو رجاء مولای ابو قلابة نام
 او نیز سلمان است سله هر جا بفتحاتت گردد و جا بکسر لام باید خواند عمر
 بن سلمه الحارثی که امام مسجد بصره بود و سلمه قبیله از انصار عسکریه هر
 جا بتصغیر وارد شده مگر چهار جا عبید سلمانی شاگرد حضرت علی مرتضی کرام الله
 وجهه عبیده بن حمید عبیده بن سفیان عامر بن عبیده ابابلی عباده
 هر جا بضم عین تخفیف با است الامجد بن عباده الواسطی استاد بخاری که
 بفتح عین است عبید هر جا بفتح عین سکون بای موحده لامر بن عبده که در خطبه

ع

کتاب فی التفسیر

و القاصد

و جامع الاموال

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

و تفسیر الخوارج

عيسى بن ابی عیسی الخياط و مسلم خياط که اگر این هر دو را حاطا خوانند نسبت
بخط فروشی است و اگر حاطا خوانند نسبت بخط فروشی است و بخط بفتح جایی مهمل
بای میوه ده و در آخر طای مهمل بک مغیلان است که برای چاره و ذخیره میکند
و میروشند و اگر خياط خوانند نسبت بصنعت خياط یعنی دوختن است و این هر دو
کس بر سه پیشه داشته اند یکی را بعد دیگری اختیار کرده اند لیکن شهر در اول خط
نسبت بخط فروشی یعنی گندم فروشی است و شهر دثانی حاطا است نسبت بخط فروشی
فایده دیگر بعضی اسماء و موطن صحیحین هر جا این صورت واقع شود پس
بتقدیم تختیم برین مهمل باید خواند الا نام پدر محمد بن بشار که بانی مؤلفه شین
معجمه دارد و این شخص مستند بخاری و مسلم است و هر جا در موطن صحیحین لفظ بشر واقع
شود کس برای موجهه شین معجمه باید خواند الا چهار کس که بضم موجهه و سین مهمل
اند عبدالسد بن بسر صحابی بسر بن سعید بن عبدالسد حضرمی بسر بن محجن
و هر جا درین کتاب کلمه لفظ بشر واقع شود بر وزن طویل از بشاره که بمعنی خبر
خوشت باید خواند الا چهار کس که بصیغه تصغیر اند و کس بشین معجمه بشیر بن
عددی بشیر بن یسار و دو لیکن مهمل شخصه است که او را بضم یا می
تختیم یا بخوانند یسر بن عمرو و دیگری را بنون مضمومه بخوانند و آن پدر
قطون بن سیرت قاعده صورت یزید هر جا بصیغه مضارع عکس
از زیاده است الله کس یزید بن عبدالسد بن ابی یزیده که بضم یا می موجهه
در اسم مهمل مفتوحه تصغیر بمعنی ژاله نام جد محمد بن البرز که کسر موجهه
در اسم مهمل و نون ساکنه است و بعضی هر دو را فتح خوانند و نام جد علی

عمره من

عيسى بن ابى عيسى الخطاط و سلم خطاط که اگر این هر دو را خطا خوانست نسبت
 بخط فروشی است و اگر خطا خوانند نسبت بخط فروشی است و خطا بفتح جای سهله
 و بای موحده و در آخر طای سهله بگ مغلان است که برای چار و اذخیره میکند
 و فروشنده و اگر خطا خوانند نسبت بصنعت خطاط یعنی و خط است و این هر دو
 کس سر سه پیشه داشته اند یکی را بعد دیگری اختیار کرده اند لیکن شهر در اول خط
 نسبت بخط فروشی یعنی گندم فروش است و او شهر در ثانی خطا است نسبت بخط فروشی
 فایده دیگر و بعضی اسامی در موطا و صحیحین هر جا این صورت واقع شود باین
 بتقدیم تخطیه بر سین مهله باید خواند الا نام پدر محمد بن بشار که بانی موحده شین
 معجمه دارد و این شخص سله بخاری و سلم است و هر جا در موطا و صحیحین لفظ بشار واقع
 شود بکسر ای موحده شین معجمه باید خواند الا چهار کس که بضم موحده و سین مهله
 اند عبداللہ بن بسر صحابی بسر بن سعید بن عبداللہ حضرمی بسر بن محمد بن
 و هر جا درین کتاب لفظ بشار واقع شود بر وزن طویل از بشار که بمعنی خبر
 خوش است باید خواند الا چهار کس که بصیغه تصغیر اند و کس شین معجمه بشیر بن کعب
 عدی بشیر بن یسار و دوسین مهله شخصی است که او را بضم ی می
 تخطیه باید خواند بسر بن عمرو و دیگری را بنون مضمومه بخوانند و آن پدر
 قطیف بن سیرت قاعده صورت یزید هر جا بصیغه مضارع عکب
 از زیاده است الله کس یزید بن عبداللہ بن ابی بردہ که بضم ی موحده
 و در اسم ممل مفتوح است تصغیر بر بمعنی زاله نام جد محمد بن البرند که بکسر موحده
 و در اسم ممل و نون ساکنه است و بعضی هر دو را فتح خوانند و نام حد علی

و اگر شیوخ و ملایکه هم متحد باشند پس امتیاز بسیار دشوار میشود و در همین موضع
امتحان محثیت میکند و نیز در بصره و امام فن حدیث و دیگران بوده اند که
آنها را حماد بن سکیفند حماد بن زید بن درهم و حماد بن سلمه بن صحیحین هر جا
روایت عارم از حماد باشد باید داشت که حماد بن زید است و اگر موسی بن
اسماعیل بن ابی رومی باشد پس حماد بن سلمه است عبد الله طلقا صحیحین در جزیره
صحابه عبد الله بن خود و دور جرایمه الحاریش عبد الله بن المبارک است ابو حمزه و او
سهمه شاگرد ابن عباس و ابو حمزه بجای سهم و منقوطه نیز شاگرد ابن عباس است و
شعبه زیر دست دارد پس اصطلاح نیست که شعبه برگاه مطلق ابو حمزه بگوید مراد نصر
بن عمر است که جمیعست و برگاه مفید کند نسبت پس مراد ابو حمزه بجای سهم است
والله اعلم و بعضی ما نام مادر به پدر مشتبیه میشود لیکن توفض و تعمق معلوم میشود که نام
است نه پدر چنانکه در حدیث معاذ و معوذ ابی عمر آدرس عذر از نام او را نه است
پدر آنها حاشیت و بعضی روایات آمده بلال بن حکامه و ابو بلال بن اسود است
بنغیر علی صلوٰة و اسلام نام مادر او حماسه است و نیز در صحیحین آمده عبد الله بن بحینه
و بحینه نام مادر اوست و نام پدر او مالک است و بعضی مواضع جمع کرده گفته اند
الله بن مالک بن بحینه پس در اینجا نام مادر او با نام جد او مشتبیه میشود و لهذا متعذر
کرده اند که در میان لفظ مالک و بحینه الفبا بن را ثابت دارند و قاطعت میگویم
نمود که صفت عبد الله است نه صفت مالک مانند محمد بن الخنفیه که پدر بزرگوار او
امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب است و خنفیه نسبت بمادر اوست و نامش خوله
نسبت بحضر است که سرور ایمان و پدیده نینی خنفیه بود مانند اسماعیل بن عقیقه هم پدر او

و اگر شیخ و ملائذه هم متحد باشند پس امتیاز بسیار دشوار میشود و در همین موضع
 امتحان محدثیت میکنند و نیز در بصره و و امام فن حدیث در یک زمان بوده اند که
 آنها را حماد بن سکیفند حماد بن زید بن دریم و حماد بن سلمه بن صحیحین هر جا
 روایت عارم از حماد باشد باید دانست که حماد بن زید است و اگر موسی بن
 اسمعیل بنوفذکی راوی باشد پس حماد بن سلمه است عبد الله مطلقاً و صحیحین در حدیث
 صحابه عبد الله بن محمود و در وجه ایه الی ریش عبد الله بن المبارک است ابو حمزه و
 مسلم اگر دین عباس ابو حمزه بجای مسلم و در منقوطة نیز شکر دین عباس است و
 شعبه از هر دو است و در پس اصطلاح نیست که شعبه هر گاه مطلق ابو حمزه بگوید مراد نصر
 بن عمر است که حمیم است و هر گاه معین کند نسب پس مراد ابو حمزه بجای مسلم است
 و الله اعلم و بعضی با نام ماوریه پدر مشتهر میشود لیکن خوبص و بعضی معلوم میشود که نام
 است نه پدر چنانکه در حدیث معاذ و معوذ ابی عمر آوس عمر از نام او را نه است
 پدر آنها عارفت و بعضی روایات آمده بلال بن حاتم و ابو بلال بن باقر است
 پیغمبر علیه الصلوٰه و السلام نام ماور او حماد است و نیز در صحیحین آمده عبد الله بن بکینه
 و بکینه نام ماور او است و نام پدر او مالک است و بعضی مواضع جمع کرده گفته اند
 الله بن مالک ابن بکینه پس در اینجا نام ماور او بنام جد او مشتهر میشود و لهذا معتبر
 کرده اند که در میان لفظ مالک و بکینه الف با ن ثابت دارند و با قطع نکت ما معلوم
 شود که صفت عبد الله است نه صفت مالک مانند محمد بن الحنفیه که پدر بزرگوار او
 امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب است و خفیه نسبت باور او است و نامش خوله
 بنت جعفر است که سرور با همه ویدنی خفیه بود مانند اسمعیل بن عقیله هم پدر او

۹
 حدیث
 صحیحین
 ابو حمزه
 مسلم
 شعبه
 حمیم
 معین
 بلال
 حاتم
 بکینه
 مالک
 خفیه
 خوله
 جعفر
 عقیله

استیجاب و تفریق صاف از آن قدس و بیشتر استفاده ایشان از جناب حضرت شیخ ابوطاهر
 مدنی قدس سره بود که یکانه عصر خود بودند و درین باب رحمة الله علیه و علی اسلامه و
 و از حسن اتفاقات آنکه شیخ ابوطاهر قدس سره سلسله دارند بصوفیان و عرفا
 تا شیخ زین الدین زکریا انصاری و هو انه اخذ عن ابيه شیخ ابراهیم الکردی و هو
 عن الشيخ احمد القشاشی و هو عن الشيخ احمد الشناوی و هو عن والده الشيخ عبد
 القدوس الشناوی و ایضا عن الشيخ محمد بن ابی الحسن البکری و ایضا عن الشيخ
 محمد بن احمد الرملی و ایضا عن الشيخ عبد الرحمن بن عبد القادر بن فهد و هو لار
 کلهم من اجلة المشایخ العارفين بالبدو و الشيخ عبد القدوس عن الشيخ ابن حجر المکی
 و عن الشيخ عبد الوهاب الشعراوی و هما عن شیخ الاسلام بن زین الدین زکریا
 الانصاری و الشيخ محمد بن البکری عن والده العارف بالبدو ابی الحسن البکری
 و هو عن الشيخ زین الدین زکریا و كذلك الشيخ محمد الرملی عن والده و عن ابن
 الدین زکریا و الامام الشيخ عبد الرحمن بن عبد القادر بن فهد عن عمه جبار السدین فهد
 عن الشيخ ببال الدین السیوطی و نیز شیخ ابوطاهر قدس سره از شیخ حسن عجمی اخذ
 و استفاده نموده اند و شیخ حسن عجمی شاگرد شیخ عیسی مغربی شاگرد شیخ محمد بن
 العلار البیاضی شاگرد شیخ سالم سنوری و سالم از شیخ نجم الدین غیطی فرا
 گرفته و نجم الدین غیطی از شیخ الاسلام بن زین الدین زکریا انصاری چند
 نموده و نیز شیخ عیسی مغربی بواسطه بسیار از شیخ جلال الدین سیوطی اخذ
 کرده و نیز حضرت شیخ ابوطاهر از شیخ احمد غلی که اعلم عصر خود و در مکه بودند فهد
 کردند و شیخ احمد غلی از شیخ سلطان فراجمی و ایشان از شهاب الدین خلیل

شیخ ابوطاهر
 مدنی قدس سره
 رحمة الله علیه
 و علی اسلامه
 و از حسن
 اتفاقات
 آنکه شیخ
 ابوطاهر
 قدس سره
 سلسله
 دارند
 بصوفیان
 و عرفا
 تا شیخ
 زین الدین
 زکریا
 انصاری
 و هو انه
 اخذ عن
 ابيه
 شیخ
 ابراهیم
 الکردی
 و هو
 عن
 الشيخ
 احمد
 القشاشی
 و هو
 عن
 الشيخ
 احمد
 الشناوی
 و هو
 عن
 والده
 الشيخ
 عبد
 القدوس
 الشناوی
 و ایضا
 عن
 الشيخ
 محمد
 بن
 ابی
 الحسن
 البکری
 و ایضا
 عن
 الشيخ
 محمد
 بن
 احمد
 الرملی
 و ایضا
 عن
 الشيخ
 عبد
 الرحمن
 بن
 عبد
 القادر
 بن
 فهد
 و هو
 لار
 کلهم
 من
 اجلة
 المشایخ
 العارفين
 بالبدو
 و الشيخ
 عبد
 القدوس
 عن
 الشيخ
 ابن
 حجر
 المکی
 و عن
 الشيخ
 عبد
 الوهاب
 الشعراوی
 و هما
 عن
 شیخ
 الاسلام
 بن
 زین
 الدین
 زکریا
 الانصاری
 و الشيخ
 محمد
 بن
 البکری
 عن
 والده
 العارف
 بالبدو
 ابی
 الحسن
 البکری
 و هو
 عن
 الشيخ
 زین
 الدین
 زکریا
 و كذلك
 الشيخ
 محمد
 الرملی
 عن
 والده
 و عن
 ابن
 الدین
 زکریا
 و الامام
 الشيخ
 عبد
 الرحمن
 بن
 عبد
 القادر
 بن
 فهد
 عن
 عمه
 جبار
 السدین
 فهد
 عن
 الشيخ
 ببال
 الدین
 السیوطی
 و نیز
 شیخ
 ابوطاهر
 قدس
 سره
 از
 شیخ
 حسن
 عجمی
 اخذ
 و استفاده
 نموده
 اند
 و شیخ
 حسن
 عجمی
 شاگرد
 شیخ
 عیسی
 مغربی
 شاگرد
 شیخ
 محمد
 بن
 العلار
 البیاضی
 شاگرد
 شیخ
 سالم
 سنوری
 و سالم
 از
 شیخ
 نجم
 الدین
 غیطی
 فرا
 گرفته
 و نجم
 الدین
 غیطی
 از
 شیخ
 الاسلام
 بن
 زین
 الدین
 زکریا
 انصاری
 چند
 نموده
 و نیز
 شیخ
 عیسی
 مغربی
 بواسطه
 بسیار
 از
 شیخ
 جلال
 الدین
 سیوطی
 اخذ
 کرده
 و نیز
 حضرت
 شیخ
 ابوطاهر
 از
 شیخ
 احمد
 غلی
 که
 اعلم
 عصر
 خود
 و در
 مکه
 بودند
 فهد
 کردند
 و شیخ
 احمد
 غلی
 از
 شیخ
 سلطان
 فراجمی
 و ایشان
 از
 شهاب
 الدین
 خلیل

باشد از وی نسبتاً بآخرت مقدم باشد پس احادیث عثمان رضی الله عنه مقدم بر
 احادیث ابوبکر صدیق باشد و احادیث ابوبکر صدیق رضی الله عنه بر طلحه بن عبید الله رضی الله عنه
 مقدم بر احادیث عمر بن الخطاب باشد و علی بن ابی طالب رضی الله عنه هم معجم در اصطلاح محدثین
 است که احادیث را بر ترتیب شیوخ ذکر نمایند و در اینجا هم تقدم و فائز است اعتبار کنند
 یا موافق ترتیب شیوخ یا موافق فضیلت تقدم در علم و تقوی ترتیب نمایند لیکن
 اکثر جرو ف تبحر ترتیب نمایند و معاجم نشه طبرانی از همین قسم است و نیم چهارم اجزاء اند
 و جزو در اصطلاح محدثین است که تالیف کرده شود و احادیث مروری که مختص خاص خواه
 آن شخص و طبقه صحابه باشد یا بعد از آن مثلاً جزو حدیث ابی بکر و جزو حدیث
 مالک و علی بن ابی طالب و این قسم بسیار است و گاهی از مطالبی که در ذکر جامع گذشت
 یک مطلب را اختیاری نمایند و در آن تصنیفی مبسوط میکنند چنانچه باب البته را
 ابوبکر بن ابی الدنیا کتابی مبسوط نوشته و باب رویه الصدراجره تصنیف کرده و هم
 دنیا را نیز ابی الدنیا کتابی مبسوط نوشته و علی بن ابی طالب سایل خبریه و را موار
 که خبریات مطالب ثمانیه مذکور اند بسیار مصنف شده اند بحدیکه حصار و تعداد
 آنها خارج از طوق بشری است حافظ ابن حجر و شیخ حلال الدین سیوطی و تصنیف سایل
 خلیفه و حجت دارند و همی دیگر است از تصانیف احادیث که از اربعین نامند یعنی چهل
 دریک باب یا ابواب متفرقه بیک سند یا اسانید متعدد جمع نمایند و اربعینات
 هم بشمار اندیده و شنیده میشود پس اقسام تصانیف شد شش اند و چهارم و ساند
 و معاجم و اجزاء و سایل اربعینات و سایل اکتب نیز نامند و امر ثانی یعنی
 احتیاط در فهم معانی احادیث پس مواد آن نیز از تحقیق امر اول معلوم شد

ف
 محکم
 ف
 اربعین

ف
 سایل

ف
 سایل

ف
 اربعین

زیرا که مشرق الافراد در توضیح معانی احادیث صحیحین و موطن کافیه است و جامع
 الاصول در کتب است معنی است مجمع البحار شیخ محمد طاهر و تحقیق جمیع کتب حدیث
 یعنی طبقات اربعه مذکوره کافی است و شرح عبدالرؤف منادی بر جامع صغیر
 شیخ جلال الدین سیوطی نیز اکثر احادیث را کفایت میکند لیکن اینقدر نباید دانست
 که در شرح و توجیه احادیث کلام گوناگون در طب و ایالس بسیار بوقوع آمده حال
 آنخاصی را که درین باب محل اعتماد اند باید شناخت و از کتب و تصانیف اینها
 بهره باید برداشت و امام نووی و محی السنه البغوی و ابوسلیمان خطابی از جمله
 علمای افسیه خلی معتمد علیه و سخن ایشان متین و مضبوط و واقع است خصوصاً
 شرح مسند بغوی در فقه حدیث و توجیه مشکلات کافی و شافی است و گو یا
 شرح مصابیح مشکوٰۃ از آن کتاب حاصل است و شرح صحیح مسلم از امام نووی است
 و معالم السنن شرح ابی داود و از خطابی است و طحاوی از جمله علمای حنفیه در
 شرح احادیث سرآمد و پیشو است معانی الآثار کتاب او درین باب دست آور
 حنفیانست و ابن عبدالبر از مالکیه مقدم انجمه است و کتاب استذکار مؤتید
 درین باب یادگار است شرح کتب حدیث بسیار اند که تعداد اسماء کتب
 آنها درین وقت عجلت امکان ندارد و سخن هر یک را قماش دیگرست لیکن جمیع
 آنها اخذ و مستفید ازین چند کس اند که مذکور شد پس اگر کتب این جماعه است
 آید حاجت از تشویشات و تکلفات بارده متاخرین مرتفع میگردد و بر افهم
 معانی احادیث و دفع تعارض من بینهما حضرت والد ماجد قدس سره
 قواعد عجیبه و فوائد غریبه تنسیق فرموده اند اگر انشاء الله تعالی وضعت حاصل شود

۲۰
 صاحب
 جامع التوسل
 ۱۶

ایتحاب و تفتیص از آرتقد و بیشتر استفاده ایشان از جناب حضرت شیخ ابوطاهر
 مدنی قدس سره بود که یکانه عصر خود بودند و درین باب رحمه الله علیه و علی السلفه و
 و از حسن اتفاقات آنکه شیخ ابوطاهر قدس سره سند متسلل دارند بصوفی و عرفا
 و شیخ زین الدین زکریا انصاری و هو انه اخذ عن ابیه شیخ ابراهیم الکردی و هو
 عن الشیخ احمد القشاشی و هو عن الشیخ احمد الشناوی و هو عن والده الشیخ عبد
 القدوسی الشناوی و ایضا عن الشیخ محمد بن ابی الحسن البکری و ایضا عن الشیخ
 محمد بن احمد الرطبی و ایضا عن الشیخ عبد الرحمن بن عبد القادر بن فهد و هو لا
 کلهم من اجله المشایخ العارفين بالیه و الشیخ عبد القدوس عن الشیخ ابن حجر المکی
 و عن الشیخ عبد الوهاب الشعراوی و هما عن شیخ الاسلام بن زین الدین زکریا
 الانصاری و الشیخ محمد بن البکری عن والده العارف بالیه ابی الحسن البکری
 و هو عن الشیخ زین الدین زکریا و كذلك الشیخ محمد الرطبی عن والده و عن زین
 الدین زکریا و الشیخ عبد الرحمن بن عبد القادر بن فهد عن عمه جابر اصبهانی
 عن الشیخ بیدال الدین سیوطی و نیز شیخ ابوطاهر قدس سره و از شیخ حسن عجمی اخذ
 و استفاده نموده اند و شیخ حسن عجمی شاگرد شیخ عیسی مغربی شاگرد شیخ محمد بن
 العلاء البعلبکی شاگرد شیخ سالم سنهوری و سالم از شیخ نجم الدین غبطی فرا
 گرفته و نجم الدین غبطی از شیخ الاسلام بن زین الدین زکریا انصاری چند
 نموده و نیز شیخ عیسی مغربی بواسطه بسیار از شیخ جلال الدین سیوطی اخذ
 کرده و نیز حضرت شیخ ابوطاهر از شیخ احمد غفلی که آنکس عصر خود در مکّه بودند
 کردند و شیخ احمد غفلی از شیخ سلطان مزاحی و ایشان از شهاب الدین خلیل

شیخ ابوطاهر
 مدنی قدس سره
 و از حسن اتفاقات
 آنکه شیخ ابوطاهر
 قدس سره سند متسلل
 دارند بصوفی و عرفا
 و شیخ زین الدین
 زکریا انصاری و هو
 انه اخذ عن ابیه
 شیخ ابراهیم الکردی
 و هو عن الشیخ
 احمد القشاشی و هو
 عن الشیخ احمد
 الشناوی و هو عن
 والده الشیخ عبد
 القدوسی الشناوی
 و ایضا عن الشیخ
 محمد بن ابی الحسن
 البکری و ایضا عن
 الشیخ محمد بن
 احمد الرطبی و
 ایضا عن الشیخ
 عبد الرحمن بن
 عبد القادر بن
 فهد و هو لا کلهم
 من اجله المشایخ
 العارفين بالیه
 و الشیخ عبد
 القدوس عن
 الشیخ ابن حجر
 المکی و عن
 الشیخ عبد
 الوهاب الشعراوی
 و هما عن شیخ
 الاسلام بن
 زین الدین
 زکریا الانصاری
 و الشیخ محمد
 بن البکری عن
 والده العارف
 بالیه ابی
 الحسن البکری
 و هو عن
 الشیخ زین
 الدین زکریا
 و كذلك
 الشیخ محمد
 الرطبی عن
 والده و عن
 زین الدین
 زکریا و
 الشیخ عبد
 الرحمن بن
 عبد القادر
 بن فهد عن
 عمه جابر
 اصبهانی عن
 الشیخ بیدال
 الدین سیوطی
 و نیز شیخ
 حسن عجمی
 اخذ و استفاده
 نموده اند و
 شیخ حسن
 عجمی شاگرد
 شیخ عیسی
 مغربی شاگرد
 شیخ محمد بن
 العلاء البعلبکی
 شاگرد شیخ
 سالم سنهوری
 و سالم از
 شیخ نجم
 الدین غبطی
 فرا گرفته و
 نجم الدین
 غبطی از
 شیخ الاسلام
 بن زین الدین
 زکریا انصاری
 چند نموده
 و نیز شیخ
 عیسی مغربی
 بواسطه بسیار
 از شیخ جلال
 الدین سیوطی
 اخذ کرده و
 نیز حضرت
 شیخ ابوطاهر
 از شیخ احمد
 غفلی که آنکس
 عصر خود در
 مکّه بودند
 کردند و شیخ
 احمد غفلی
 از شیخ سلطان
 مزاحی و ایشان
 از شهاب الدین
 خلیل

سید و ایشان از شیخ محمد قدسی و ایشان از شیخ رتین الدین زکریا و نیز حضرت
شیخ ابوطاهر از شیخ عبدالمعین بن سالم البصری اخذ نمودند و ایشان از
قرآن شیخ احمد بن محمد بن ابی اسحاق شیخ احمد بن علی اخذ کردند و نیز شیخ ابوطاهر
از شیخ محمد بن محمد بن سلیمان مغربی با جمله مرکی ازین عزیزان به واسطه
یاس و واسطه بطریق کثیره و شجره متغیه شیخ زین الدین زکریا و شیخ جلال الدین
سیوطی و شمس الدین سخاوی و عبدالحق حبیبی و سید کمال الدین محمد بن حمزه
الحسینی میسرند و هر یکی ازین مذکورین مستند و حافظ وقت خود بودند و تصانیف
اینهاد از و سایر و اسانید اینهاد را فاق معروف و مشهور است حالا چند کتاب
بطریق نمونه نوشته شود و باقی اسانید متنوعه و دوجه متکثره هر کتاب حواله
بر کتاب الارشاد الی مهمات الاسناد و تصنیف حضرت والد ماجد قدس سره
نموده آید **کتاب الموطا** والد ماجد از شیخ محمد و فدا سید کی تا مگر زین
و ایشان بر والد خود شیخ محمد بن محمد بن سلیمان و شیخ ابن سلیمان
در کتاب صله الخلف مذکور است و نیز شیخ محمد و فدا سید این کتاب را از شیخ حسن
عجمی گرفتند و از شیخ عبدالمعین بن سالم البصری گرفتند و این بر دو بزرگوار از
شیخ مغربی و ایشان از شیخ سلطان محمد بن احمد مزاحی و مزاحه نام دیهی است
بتشدید زامی منقوطه از دیهات متعلقه مصر و شیخ سلطان از شیخ احمد بن جلیل
سبک و سبک دیهی است از دیهات مصر و ایشان از شیخ محمد نجم الدین بن احمد
غیطی و غیطه نیز از دیهات مصر است و ایشان از شیخ شرف الدین عبدالحق
بن محمد سبکی و ایشان از شیخ ابو محمد الحسن بن محمد بن ایوب الحسنی

از شیخ عیسیٰ مغربی و ایشان از شیخ شهاب الدین احمد بن محمد خفاجی و ایشان از ابوالدین
حسن کرخی که مسند وقت بود و ایشان از حافظ ابوالفضل جلال الدین بوطی و ایشان
از شیخ محمد بن قریب حلبی و ایشان از شیخ صلاح بن عمر المقدسی و ایشان از ابوالحسن فخر الدین
بن محمد بن احمد بن البخاری و ایشان از مسند الوقت ابوالفضل عمر بن محمد بن طبرزد البغدادی
و ایشان از شیخ زکریا بن مهین بن محمد بن منصور الکرمی و ابوالفتح مفلح بن احمد بن محمد بن
الی دو قه البندل و منع فاضل بن عدا م و العراق کان فیہ قصه العاکم و ابن سرد و
از حافظ ابوبکر احمد بن علی بن ثابت الططیب البغدادی که صاحب تاریخ بغداد است و
بشماره بیستم و شصت و شش از ابوالعمر القاسم بن جعفر بن عبد الوہاب و ایشان از ابوالحسن
احمد التلو و ایشان از صاحب الکتاب ابو داود و سلیمان بن شعث و صاحب جامع ترمذی
حضرت شیخ ابوطاهر از حضرت شیخ ابراهیم کردی و ایشان از شیخ سلطان مزاحی و ایشان از
شیخ شهاب الدین احمد بن خلیل سبکی و ایشان از شیخ نجم الدین محمد غطی و ایشان از شیخ
الدین زکریا بن محمد الانصار و ایشان از شیخ عزالدین عبدالرحیم بن محمد بن الفرات
القاسم الحنفی و ایشان از عمر بن ابی الحسن المرعی مراغه بفتح میمه شهرت مشهور
و لایت ایشان و ایشان از شیخ فخر الدین ابن البخاری و ایشان از شیخ عمر بن طبرزد البغدادی
و ایشان از شیخ ابوالفتح عبدالملک بن عبدالسد بن اسهل الکروخی که در بفتح کاف
ضمیمه که مخففه جلد بنو امی سرات و این شیخ ابوالفتح صاحب نسخه ترمذی است و ایشان
از قاضی ابوالعلاء محمد بن القاسم بن محمد الازدی و ایشان از شیخ ابوالحسن عبدالجبار بن
عبد السلام بن ابی الحجاج جزیری المروزی و نویسنده الی مرد شایسته مشهوره بخراسان
و ایشان از ابوالعباس محمد بن محبوب المصوبی المروزی و ایشان از صاحب الکتاب التلعکبری

محمد بن عیسی بن سوره بن موسی الترمذی رحمه الله سنن صغری نسائی

حضرت شیخ ابوطاهر از شیخ ابراهیم کردی ————— و ایشان از شیخ

احمد قسقا و ایشان از شیخ احمد بن عبد القدوس شتادوی و ایشان از شیخ شمس الدین

محمد بن احمد بن محمد بن و ایشان از شیخ زین الدین زکریا و ایشان از شیخ عزالدین عبد

الریسم بن محمد بن الفرات و ایشان از عمر بن ابی الحسن المراءعی و ایشان از فخر

الدین بن البخاری و ایشان از ابی الکلام احمد بن محمد اللبان نسبت به ابی عمل التمیمی

و ایشان از ابی اویسی حسن بن احمد الحداد و ایشان از قاضی ابوبصر احمد بن یحیی بن

و ایشان از حایط ابوبکر المعروف بان استی احمد بن محمد بن یحیی الدیوری که از محمد

محمد بن است و کتاب الجبالست للدیوری از مصنفات اوست و ایشان از یوسف

الکتاب حافظ ابوعبد الرحمن احمد بن شعیب بن علی النسائی منسوب لمنا بلده مشهوره

بنحو ان بقرب ابی یونس بن ابی جهم بسند که در سنن نسائی مذکور شد تا شیخ زین الدین

و ایشان از شیخ ابن حجر عسقلانی و ایشان از ابی الحسن علی بن ابی الحداد الشعمی و ایشان

از ابی العباس الحجازی و ایشان از نجیب بن ابی السعاده و ایشان از حافظ ابوزعمه

طاهر بن محمد بن طاهر المقدسی و ایشان از فقیه ابی منصور محمد بن الحسن بن احمد

المقومی القزوینی و ایشان از ابی طلحه القاسم بن المنذر الخطیب و ایشان از ابی الحسن

بن ابراهیم بن سلمه بن بحر القطان و ایشان از یوسف الکتابی ابوعبد الله محمد بن زید المعروف

بابن حاجه القزوینی و قزوین بقعه فاف و کون را بنجام شهرت مشهور در عراق

عجم و حاجه لقب پدر ابوعبد الله است نه لقب جد او نام مادر او تخفیف جیم باید خواند

نه بشدید و وقع فی ذلک غلاط کثیره مشکوٰۃ لمصایح حضرت شیخ ابوطاهر

عبد الله بن محمد بن عیسی بن سوره بن موسی الترمذی رحمه الله سنن صغری نسائی
حضرت شیخ ابوطاهر از شیخ ابراهیم کردی
احمد قسقا و ایشان از شیخ احمد بن عبد القدوس شتادوی و ایشان از شیخ شمس الدین
محمد بن احمد بن محمد بن و ایشان از شیخ زین الدین زکریا و ایشان از شیخ عزالدین عبد
الریسم بن محمد بن الفرات و ایشان از عمر بن ابی الحسن المراءعی و ایشان از فخر
الدین بن البخاری و ایشان از ابی الکلام احمد بن محمد اللبان نسبت به ابی عمل التمیمی
و ایشان از ابی اویسی حسن بن احمد الحداد و ایشان از قاضی ابوبصر احمد بن یحیی بن
و ایشان از حایط ابوبکر المعروف بان استی احمد بن محمد بن یحیی الدیوری که از محمد
محمد بن است و کتاب الجبالست للدیوری از مصنفات اوست و ایشان از یوسف
الکتاب حافظ ابوعبد الرحمن احمد بن شعیب بن علی النسائی منسوب لمنا بلده مشهوره
بنحو ان بقرب ابی یونس بن ابی جهم بسند که در سنن نسائی مذکور شد تا شیخ زین الدین
و ایشان از شیخ ابن حجر عسقلانی و ایشان از ابی الحسن علی بن ابی الحداد الشعمی و ایشان
از ابی العباس الحجازی و ایشان از نجیب بن ابی السعاده و ایشان از حافظ ابوزعمه
طاهر بن محمد بن طاهر المقدسی و ایشان از فقیه ابی منصور محمد بن الحسن بن احمد
المقومی القزوینی و ایشان از ابی طلحه القاسم بن المنذر الخطیب و ایشان از ابی الحسن
بن ابراهیم بن سلمه بن بحر القطان و ایشان از یوسف الکتابی ابوعبد الله محمد بن زید المعروف
بابن حاجه القزوینی و قزوین بقعه فاف و کون را بنجام شهرت مشهور در عراق
عجم و حاجه لقب پدر ابوعبد الله است نه لقب جد او نام مادر او تخفیف جیم باید خواند
نه بشدید و وقع فی ذلک غلاط کثیره مشکوٰۃ لمصایح حضرت شیخ ابوطاهر

ابراہیم کردی و ایشان از شیخ احمد قشاشی و ایشان از شیخ احمد بن عبد القدوس
 شناسای ایشان از سید عصفور بن سید جعفر بن دانیال ایشان از شیخ محمد بن محمد بن معروف
 سیر کلان که در وقت خود شیخ که بودند و ایشان از سید
 و ایشان از والد بزرگوار خود سید جمال الدین عطاء الدین بن سید غیاث الدین فضل الدین
 سید ابراهیم بن ایشان از عم عالی مقام خود سید ابراهیم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن
 الطیاف بن جمال الدین بن یحیی الشیرازی الحسینی و ایشان از مسند وقت و محدث عصفور
 الدین عبد الرحیم بن عبد الکریم الجبیری الصدیقی و ایشان از علامه عصر امام الدین
 مبارک شاه ساجی صدیقی و ایشان از مولف الکتاب ولی الدین محمد بن عبد
 بن الخطیب التبریزی **حسن حصین** حضرت شیخ ابوطاهر از شیخ ابراهیم بن
 و ایشان از شیخ احمد قشاشی و ایشان از شیخ احمد بن عبد القدوس شناسای ایشان
 از شیخ شمس الدین محمد بن احمد بن محمد بن علی و ایشان از شیخ زین الدین زکریا انصاری
 و ایشان از حافظ وقت نقی الدین محمد بن محمد بن محمد بن فهد الهاشمی المکی و ایشان از
 مولف الکتاب ابوالنجی محمد بن محمد بن محمد الجبیری الشافعی زاهد مدنی در جامع
 افاض علینا من بركاتهم **فانت** باید داشت که علامات وضع حدیث و کتب
 راوی چند خیر است اول آنکه خلاف تاریخ مشهور روایت کند مثل آنکه عبد الله
 بن خود در جنگ صفین چنین گفت حال آنکه عبد الله بن مسعود در عهد خلافت
 حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه وفات یافته و ازین قبیل است شهر در محل
 معاویه بگریخت خون خلقی بسی بریده ریخت و این قسم موضوعات با دلی
 نفع و مال تو آن ساخت دوم آنکه راوی گفته باشد در طعن صحابه روایت کند

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

سے دو دیگر خصوصیات را کہ از مذاق حدیث شناسان نمود این علت تهمت کرده اند و نسبت اینها را از اعتبار بر آویده فرق دیگر متحابین خلفا و ملوک امر را کہ برای تمالت خاطر آنها وضع احادیث نمودند و این خود را بدینا فرقند فرقہ دیگر بی قصد و عمد وضع شدہ کرده اند و صورت اینست کہ ایشان بسبب غفلت توہم کلای شنیدند انصاحب تجربہ بایضوفی یا یکی از حکما سابقین اول نسبت بہ پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم کردند بنا بر ظن آنکہ این کلام با حکمت و جزا پیغمبر خود بود و این فرقہ را حدی و نہایتی نیست و اکثر عوام باین مبتلا بوده اند و اللہ الموفق والمام و آنچه درین سالہ مذکور شد بطریق انوذج کفایت میکند تفصیل این مہکتا را و فرمایا باید بعضیہ تم اکثر ضروریات این علم در ہر نواح و ہر دیار یافتہ شد و گوئی مگر نیز بہین ہیچ توہم و تہمتا مست فہم سلامت طبع مانع خطا شدن و صواب با دقتی تہیہ قبول کردن نیستی است عظیم حق تعالی را و آن برادر را ازین امور بہرہ مند سازد و الا علم و مواد علم بسیارست کیاست ہن امور اندیشہ بہرہ خوش گفت دانکہ دانش ہیست بد و لیکن براگذا با کہ ہیست

[illegible]

قطعه تاریخ از محنتی این کتاب به مولوی ظفر الدین صاحب سلمه لکھا

در اصول حدیث این گفته
عبد قادر در تفسیر
سال تاریخ چون شده برین
ما فی غیب از سر احسان
گشت طبع از جناب عبد عزیز
سعی کردند اندران پیمینه
بی دل خوف را نمنا حیز
قال لحدالك الكتاب عزیز

تہذیب و تمدن کا یہ فقیر عبد العزیز و عبد القادر تاجران کتب لاہور کی میں موجود ہے

اعلان بدون اجازت محشی احدی مصدع طبع نکند

